

رسائل ابوالحسن عامری

علی اوجبی*

چکیده

ابوالحسن عامری از فلاسفه بزرگ و مشهور سده چهارم هجری (۳۰۰ - ۳۸۰ ه. ق) است. از آثار محدود وی چهار رساله فلسفی تحت عنوان رسائل ابوالحسن عامری با تصحیح سبحان خلیفات به سال ۱۳۷۵ در تهران (مرکز نشر دانشگاهی) چاپ و نشر شده است. رسایل مذکور، عبارتند از ۱. انقاذ البشر من الجبر و القدر (شامل یک مقدمه و سیزده فصل: چیستی فعل آدمی، گونه‌های فعل آدمی، اسباب افعال، جهات فعل، قوای فعل، اسباب ذاتی و عرضی فعل، حدوث افعال مختلف از فاعل واحد، مفهوم توفیق و عدم توفیق، رابطه میان علت فاعلی و معلول، رویکردهای گوناگون فلاسفه و متکلمان درباره نسبت موجودات هستی با خدای تعالی و نقش قضا و قدر و ماهیت این دو مسئله، تبیین دیدگاه امام جعفر صادق «ع» در مقوله جبر و اختیار و...). ۲. التقرير لأوجه التقدير (شامل پنج فصل درباره واجب و ممکن. گونه‌های تقدیر واجب، اقسام ممکن و ممتنع و تحلیل افعال). ۳. الفصول فی المعالم الإلهية (درباره مراتب پنج‌گانه موجودات، نفس، عقل، علم الهی و تدبیر عالم). ۴. القول فی الابصار والمبصر (درباره حقیقت بینایی و گونه‌های مبصرات و دیدنی‌ها).

ابوالحسن عامری، فیلسوف بزرگ سده چهارم هجری در سال ۳۰۰ در نیشابور

*. محقق متون فلسفی - کلامی.

متولد و در سن هشتاد سالگی در همانجا وفات یافت. او برای دانش‌اندوزی همیشه در تلاش بود و به شهرهای مختلف چون بخارا، ری، بغداد مسافرت‌ها کرد و افزون بر فراگیری علوم ادبی، فلسفه و کلام را از ابوزید بلخی، فقه را از ابوبکر محمد بن اسماعیل قفال، اندیشه‌های اسماعیلی و آموزه‌های نوافلاطونی و نجوم را از احمد نسفی، ریاضیات و منطق و علم فلک را از ابوجعفر خازن و طب را از احمد بن محمد طبری فرا گرفت.

در فلسفه افزون بر فیلسوفان بزرگ یونان نظیر افلاطون و ارسطو از فلاسفه مسلمانانی که یاد شد و نیز از فارابی و همچنین از متون کهن فارسی چون جاویدان خرد و خدای‌نامه بسیار متأثر شده است.

آثار محدودی از خود به یادگار گذاشته است. اثر مورد بحث تحت عنوان رسائل ابوالحسن عامری، شامل ۴ رساله از این متفکر بزرگ است:

۱. إنقاذ البشر من الجبر و القدر ۲. التقرير لأوجه التقدير ۳. الفصول فی المعالم الإلهية ۴. القول فی الابصار و المبصر

عمده مباحثی که در این آثار طرح شده مسئله جبر و اختیار است و این خود حاکی از آن است که این مسئله بغرنج، مسئله روز دوران مؤلف بوده.

اما رساله اول شامل یک مقدمه و ۱۳ فصل است.

آن گونه که از مقدمه رساله برمی‌آید، گویا یکی از شاگردان فرهیخته عامری به مطالعه آثاری که فلاسفه و متکلمان در رد و اثبات مقوله اختیار نوشته‌اند، می‌پردازد و در پایان به این نتیجه می‌رسد که هیچ یک از استدلال‌های دو طرف بر دیگری ترجیح ندارد؛ و از این رو دچار حیرت و سردرگمی می‌شود و از استاد خود می‌خواهد بدون پرداختن به ادله دو طرف، اصل مسأله را روشن کند.

عامری در فصل اول درباره چستی فعل آدمی سخن می‌گوید و اینکه رفتارهای آدمی نه ضروری است و نه ممتنع؛ چه، اگر ضروری بود، نیازمند فاعل نبود و اگر ممتنع بود، هیچ گاه تحقق نمی‌یافت. بنابراین افعال آدمی از مصادیق ممکنات است؛ چه، ممکن چیزی است که از تحقق آن محالی لازم نیاید و نیازمند سبب باشد.

فصل دوم به گونه‌های فعل آدمی اختصاص دارد. او فعل آدمی را به ارادی و ضروری، و ارادی را به فکری و شوقی، و ضروری را به طبیعی و قهری تقسیم می‌کند. در فصل سوم درباره سبب‌های افعال سخن می‌گوید. او معتقد است که سبب‌های

افعال دو گونه‌اند:

- ماده پذیرنده فعل که با ذات فعل متحد است.

- سبب مباین با ذات فعل که این خود دو قسم است: یا سبب فاعلی است که وجودش مقدم بر ذات فعل است و یا سبب غایی که متأخر از ذات فعل است.

در واقع او از علل‌های چهارگانه در نظام فلسفه ارسطویی یا حکمت مشاء به علل مادی، فاعلی و غایی بسنده می‌کند و هیچ اشاره‌ای به علت صوری نمی‌نماید.

موضوع فصل چهارم، جهات فعل است. در این بخش او به اعتبارها و جهات‌های گوناگون افعال اشاره دارد؛ و اینکه فعل آدمی را از چه جهات و حیثیت‌هایی می‌توان لحاظ کرد. بدیهی است که فعل آدمی را همچون دیگر پدیده‌ها هم می‌توان از حیث ذات لحاظ کرد و هم از حیث نسبتی که با غیر دارد. فعل از حیث نسبتی که با فاعل دارد، تفعیل است و از حیث نسبتی که با عنصر و ماده دارد، انفعال است و آن‌گاه که خودش را لحاظ می‌کنیم، همان فعل است. مثل حرکت که وقتی نسبت آن با فاعل را لحاظ می‌کنیم، تحریک است و آن‌گاه که با ماده لحاظ می‌شود، تحرک است و وقتی به خودش می‌نگریم، همان حرکت است.

فصل پنجم درباره قوای فعل است. هر فعلی متوقف بر دو نیرو است: نیروی فعاله که فعل از آن صادر می‌شود و نیرویی انفعالی که فعل آن را می‌پذیرد. عامری بر این باور است که از طریق روابطی که میان علل و قوای فاعلی و انفعالی وجود دارد می‌توانیم به روابط میان موجودات عالم به خوبی پی‌بیریم.

فصل ششم به اسباب ذاتی و عرضی فعل اختصاص دارد. اسبابی که باعث صدور فعل می‌شوند، گاه چون علت‌های چهارگانه مادی، صوری، غایی و فاعلی ذاتی‌اند و گاهی اتفاقی. اما نقطه اشتراک این دو در آن است که در صورت تحقق هر یک، تحقق فعل، ضروری و حتمی است.

فصل هفتم درباره حدوث افعال مختلف از فاعل واحد است. بدون شک از فاعل واحد به جهات مختلف، افعال مختلف صادر می‌شود:

گاه در اثر بهره بردن از قوای مختلف، افعال مختلف از فاعل حادث می‌شود.

گاه در اثر استفاده از ابزار و آلات مختلف، افعال مختلف حادث می‌شود.

گاه در اثر تأثیرپذیری از مواد مختلف، افعال مختلف حادث می‌شود.

گاه در اثر تسلسل صدور افعال از یکدیگر، افعال مختلف حادث می‌شود.

سه گونه اول در مورد ذات باری متصور نیست. یعنی از او ابتدائاً افعال مختلف صادر نمی‌شود، بلکه نخست موجودی را ابداع می‌کند و آن موجود منشأ پیدایش موجودات دیگر و بدین ترتیب سلسله آفرینش ادامه می‌یابد و از هر موجودی فعلی سر می‌زند. فصل هشتم درباره مفهوم توفیق و عدم توفیق است. عامری اسباب فعل را به ذاتی و عرضی تقسیم می‌کند و تصریح دارد که سبب‌های ذاتی محصورند و عقل می‌تواند به آنها احاطه علمی پیدا کند. اما اسباب عرضی نامحدودند و از حیطة احاطه عقل خارج. این اسباب به ندرت تحقق پیدا می‌کنند. اگر تحقق اسباب عرضی مستلزم رسیدن فاعل به هدف مطلوب و نافع خود باشد، آن را توفیق می‌نامند و اگر او را از غرض مطلوب و نافع خود باز دارد، خذلان است.

در فصل نهم، عامری به رابطه میان علت فاعلی و معلول می‌پردازد و اینکه شیء واحد نمی‌تواند از یک جهت هم علت فاعلی باشد و هم معلول.

در فصل دهم به هدف نهایی رساله می‌پردازد. او به زیبایی و اجمال رویکردهای گوناگون فلاسفه و متکلمان درباره نسبت موجودات هستی با خدای تعالی و نقش قضا و قدر و ماهیت این دو را تشریح می‌کند.

عامری در فصل یازدهم به تبیین دیدگاه امام جعفر صادق (ع) درباره مقوله جبر و اختیار می‌پردازد که دیدگاهی ما بین جبر و اختیار است. سپس به ابطال دیدگاه اشاعره که جبری مسلک‌اند و معتزله که در مقابل آنها قرار دارند، اشاره می‌کند.

فصل دوازدهم حاصل و نتیجه فصول پیشین است. او معتقد است انسان با یک توانایی‌های خاص آفریده شده و هر یک از پدیده‌ها نیز بر اساس طبیعت و ویژگی‌های خاص خلق شده‌اند. از این رو افعال انسان از یک سو متوقف بر توانایی‌های او است و از سوی دیگر مشروط به قابلیت‌های اشیا و پدیده‌ها. پس در عین حال که مختار است در دو دایره که از سوی خالق هستی تقدیر شده، محصور و محدود است: دایره توانایی‌های خود و محدوده قابلیت‌های اشیا.

در بخش پایانی به صلاح و اصلح یا خوب و خوب‌تر در جهان هستی می‌پردازد و بر این باور است که خوب و خوب‌تر درباره جزئیات قابل تصور است. یعنی درباره موجودات جزئی که دائم در حال خلق و اعدامند و از حیات همیشگی و جاوید برخوردار نیستند، می‌توان فرد بهتر را لحاظ کرد و آن فردی است که به تحقق غرض نزدیکتر است، اما در مورد موجوداتی که همیشگی و ابدی‌اند، بهتر معنی ندارد. آنها

برای غرضی آفریده شده‌اند، و برای تحقق آن غرض بهترین‌اند.
رسالة دوم یعنی التقرير لأوجه التقدير نیز در واقع حاوی مباحثی مقدماتی جهت طرح دیدگاه مؤلف درباره قضا و قدر الهی است. او در این رساله که حاوی ۵ فصل است به واجب و ممکن، گونه‌های تقدیرهای واجب، اقسام ممکن و ممتنع و تحلیل افعال می‌پردازد.

الفصول فی المعالم الإلهية رسالة سوم این مجموعه است. در این رساله، عامری درباره مراتب پنج‌گانه موجودات، نفس، عقل، علم الهی، تدبیر عالم سخن می‌گوید. و اما رساله چهارم یعنی القول فی الابصار و المبصر همان گونه که از نامش پیداست نوشته کوتاه‌تری است درباره حقیقت بینایی و گونه‌های مبصرات و دیدنی‌ها. نکته جالب اینکه عامری بینایی و دیدن را به چهار قسم: دیدن مادی، دیدن عقلانی، دیدن روحانی و دیدن وهمانی تقسیم می‌کند.